

بسمه تعالی کلید متنی سوالات مسابقه کتابخوانی انسان ۲۵۰ ساله

متن پاسخ سوال یکم ص ۳۴ تشکیل نظام اسلامی، هدف همه انبیاء

" لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ " قسط چیست؟ قسط یعنی استقرار عدالت اجتماعی در جامعه. چه کسی می تواند این کار را انجام دهد؟ تشکیل یک جامعه همراه با عدالت و قسط، یک کار سیاسی است؛ کار مدیران یک کشور است. این، هدف انبیاست. نه فقط پیغمبر ما، بلکه عیسی و موسی و ابراهیم و همه پیغمبران الهی برای سیاست و برای تشکیل نظام اسلامی آمدند.

متن پاسخ سوال دوم ص ص ۳۶ شاخص های نظام اسلامی مدینه

هدف پیغمبر از هجرت به مدینه این بود که با محیط ظالمانه و طاغوتی و فاسد سیاسی اقتصادی و اجتماعی ای که آن روز در سرتاسر دنیا حاکم بود، مبارزه کند و هدف، فقط مبارزه با کفار مکه نبود؛ مسئله، مسئله جهانی بود. پیامبر اکرم این هدف را دنبال می کرد که هر جا زمینه مساعد بود، بذر اندیشه و عقیده را بپاشد؛ با این امید که در زمان مساعد، این بذر سبز خواهد شد. هدف این بود که پیام آزادی و بیداری و خوشبختی انسان به همه د لها برسد. این جز با ایجاد یک نظام نمونه و الگو امکان پذیر نبود؛ لذا پیغمبر به مدینه آمد تا این نظام نمونه را به وجود آورد. اینکه چقدر بتوانند آن را ادامه دهند و بعدی ها چقدر بتوانند خودشان را به آن نزدیک کنند، بسته به همت آنهاست. پیغمبر نمونه را می سازد و به همه بشریت و تاریخ ارائه می کند. نظامی که پیغمبر ساخت، شاخص های گوناگونی دارد که در بین آنها هفت شاخص از همه مهمتر و برجسته تر است.

شاخص اول، ایمان و معنویت است.

شاخص دوم، قسط و عدل است.

شاخص سوم، علم و معرفت است.

شاخص چهارم، صفا و اخوت است.

شاخص پنجم، صلاح اخلاقی و رفتاری است.

شاخص ششم، اقتدار و عزت است.

شاخص هفتم، کار و حرکت و پیشرفت دائمی است.

متن پاسخ سوال سوم ص ۱۰۲

اصول اسلامی حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین می خواهد به دنیا نشان دهد که این اصول اسلامی در همه شرایط قابل پیاده شدن است. واقع قضیه هم همین است. اصول اسلامی شکل لباس امیرالمؤمنین نیست که اگر امیرالمؤمنین لُنگ می بست یا پیراهن می پوشید، امروز لازم باشد ما هم همان کار را بکنیم؛ اصول اسلامی عبارت است از عدالت، توحید، انصاف با مردم، ارج نهادن به حقوق مردم، رسیدگی به حال ضعفا، ایستادگی در مقابل جبهه های ضداسلام و دین، پافشاری بر مبانی حق و اسلام و دفاع از حق و حقیقت. اینها در همه زمان ها هم قابل پیاده شدن است.

متن پاسخ سوال چهارم ص ۱۲۴

ابعاد زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها

در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف، و بین وظایف یک انسان مجاهدِ غیورِ خستگی ناپذیر در برخوردش با حوادثِ سیاسیِ مهم بعد از رحلت رسول اکرم صل الله علیه و اله و سلم که به مسجد می آید و سخنرانی و موضع گیری و دفاع می کند و حرف می زند؛ و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی ناپذیر و محنت پذیر و سختی تحمل کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوم، یک عبادتگر و بیادارنده نماز در شبهای تار و قیام کننده و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می کند. این سه بُعد را با هم جمع کردن، نقطه درخشان زندگی فاطمه زهرا علیها السلام است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد. بعضی خیال می کنند انسانی که مشغول عبادت می باشد، یک عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمی تواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می کنند کسی که اهل سیاست است چه زن و چه مرد و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می کنند اینها با هم منافات دارد؛ درحالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد، در شخصیت انسان کامل، کمک کننده هم است.

متن پاسخ سوال پنجم ص ۳۸۸

شبکه ارتباطی شیعه

شما اگر حالات این سه امام را در "مناقب ۳" و جاهای دیگر ملاحظه کنید، متوجه می شوید که در زمان این بزرگواران، شبکه ارتباطاتی شیعه، بیشتر از زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده است از اقصی نقاط دنیا، نامه می فرستادند، پول می فرستادند و دستور می گرفتند؛ درحالی که اینها در محدودیت بودند.

بخش اول

روش امام حسن علیه السلام در مقابل تهاجم باطل

جریان حق هم بیکار که ننشسته بود در مقابل این تهاجم باطل آنها هم روشهایی داشتند که به طور خلاصه عبارت است از اول مقاومت و تحرک قدرتمندانه. بعضی خیال می کنند امام حسن مجتبی ترسید که بجنگد؛ نه. امام حسن مجتبی قاطعانه عازم به جنگ بود و جزو شجاعان عرب است.

دوم، تبلیغ: کار تبلیغ در دستگاه حق اهمیتش بسیار زیاد است. منتها همانطور که گفتیم جریان حق در تبلیغ دستش بسته است. از هر شیوه ای، از هر روشی نمی تواند استفاده کند. آن چیزی را که حق و واقع هست فقط بیان می کند، یک چیزهایی هست توی ذهن مردم، در ذهن مردم مطلوب است، جریان باطل هیچ ابایی ندارد که آنها را به همان شکلی که مردم دوست می دارند بیان کند؛ اما جریان حق خیر، حق را بیان می کنند ولو تلخ باشد.

ارزش گرایی؛ و شیوه دیگر اصرار بر حفظ ارزشها. آن چیزی که در دستگاه حق خیلی مهم است و در شیوه های آنها مورد توجه است این است که اصرار دارند که ارزش ها را به هر قیمتی هست حفظ کنند، و در نهایت عقب نشینی تا حد و مرز حراست از بقای مکتب. این را هم توجه داشته باشید؛ یعنی حق اگر دید که ایستادن او موجب می شود که اصل مکتب به خطر بیفتد عقب نشینی می کند، ننگ و عارش نمی آید از عقب نشینی کردن.

بخش دوم

علت شکست (ظاهری) امام حسن علیه السلام

علت شکست امام حسن عبارت بود از ضعف بینش عمومی، علت اصلی، و آمیخته شدن ایمان به انگیزه های مادی. در زمینه ضعف بینش عمومی، مردم بسیار بسیار ناآگاه بودند انصافاً، و ایمان مذهبیشان هم آمیخته شده بود به انگیزه های مادی. برایشان مادیت شده بود اصل. متزلزل شدن ارزشها از ده، بیست سال قبل از آن؛ از حدود ده پانزده سال قبل از ماجرای صلح امام حسن، ارزشها ذره ذره متزلزل شده بود. یک مقدار تبعیض و یک مقدار این چیزها به وجود آمده بود و همه اینها موجب شد که امام حسن نتواند مقاومت کند.

متن پاسخ سوال هفتم ص ۲۲۹

نقش امام سجاد علیه السلام در احیای اسلام

بزرگترین نقش امام سجاد (ع) این است که تفکر اصیل اسلامی یعنی توحید، نبوت، مقام معنوی انسان، ارتباط انسان با خدا و بقیه چیزها را تدوین کرده است و مهمترین نقش صحیفه سجادیه همین بود.

به طور خلاصه، نه می توانیم بگوییم که حضرت قیام کرد برای تشکیل حکومت و هدفش تشکیل یک حکومت بود، و نه می توانیم بگوییم حضرت برای شهید شدن قیام کرد. چیز دیگری است. بنده به نظرم اینطور می رسد، کسانی که گفته اند هدف، "حکومت" بود، یا هدف، "شهادت" بود، میان هدف و نتیجه، خلط کرده اند. هدف، اینها نبود. امام حسین علیها السلام، هدف دیگری داشت؛ منتها رسیدن به آن هدف دیگر، حرکتی را می طلبید که این حرکت، یکی از دو نتیجه را داشت، حکومت یا شهادت. اگر بخواهیم هدف امام حسین علیها السلام را بیان کنیم، باید این طور بگوییم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین، که آن واجب عظیم را هیچکس قبل از امام حسین حتی خود پیغمبر انجام نداده بود. نه پیغمبر این واجب را انجام داده بود، نه امیرالمؤمنین، نه امام حسن مجتبی. واجبی بود که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و عملی اسلام، جای مهمی دارد. با وجود اینکه این واجب، خیلی مهم و بسیار اساسی است، تا زمان امام حسین، به این واجب عمل نشده بود، عرض می کنم که چرا عمل نشده بود. امام حسین باید این واجب را عمل می کرد تا درسی برای همه تاریخ باشد. حالا چرا امام حسین این کار را بکند؟ چون زمینه انجام این واجب، در زمان امام حسین پیش آمد. اگر این زمینه در زمان امام حسین پیش نمی آمد؛ مثلاً در زمان امام علی النقی علیها السلام پیش می آمد، همین کار را امام علی النقی علیها الصلاة والسلام می کرد و حادثه عظیم و ذبح عظیم تاریخ اسلام، امام علی النقی می شد. اگر در زمان امام حسن مجتبی یا در زمان امام صادق علیها السلام هم پیش می آمد، آن بزرگواران عمل می کردند. در زمان قبل از امام حسین، پیش نیامد؛ بعد از امام حسین هم در تمام طول حضور ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، پیش نیامد.

کاری که در زمان امام حسین انجام گرفت، نسخه کوچکش هم در زمان امام ما انجام گرفت. منتها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است، فرقی نمی کند. هدف امام حسین با هدف امام بزرگوار ما یکی بود. این مطلب، اساس معارف امام حسین است. معارف حسینی، بخش عظیمی از معارف شیعه است. این پایه مهمی است و خود، یکی از پایه های اسلام است. پس هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است. البته دوران تاریخ اوقات مختلفی است. گاهی شرایط آماده است و گاهی آماده نیست. زمان امام حسین آماده بود، زمان ما هم آماده بود. امام همان کار را کرد.

متن پاسخ سوال نهم ص ۲۷۷ و ۲۷۸ مبارزه فرهنگی امام باقر علیه السلام

حالا ائمه می خواهند حکومت اسلامی درست را بر سر پا کنند؛ می خواهند نظام علوی را برقرار بکنند، چه باید بکنند؟ اولین کار این است که ذهنیت مردم را عوض کنند؛ فرهنگ به اصطلاح اسلامی ضداسلامی را که در ذهن مردم رسوخ کرده، از آنها بگیرند و جای آن را با فرهنگ خوبی و صحیحی و قرآن حقیقی و توحید واقعی جایگزین کنند؛ این همان مبارزه فرهنگی است. پس مبارزه فرهنگی فقط نشستن و از احکام اسلام چیزهایی را بیان کردن بدون یک جهت گیری، بدون یک سمت گیری انقلابی و مبارزی نیست، این مبارزه نیست. بلکه مبارزه فرهنگی این است که سعی کنند ذهنیت مردم را و فرهنگ حاکم بر ذهنهای مردم را عوض کنند، تا راه را برای حکومت الهی هموار کنند و راه را بر حکومت طاغوتی و شیطانی ببندد و امام باقر این کار را شروع کرد. باقرالعل مال اولین یعنی این؛ کار دیگری در زندگی آن حضرت هست که آن عبارت است از تشکل.

متن پاسخ سوال دهم ص ۳۱۲ بنی عباس؛ جریان مزاحم قیام امام صادق علیه السلام

سرگذشت امام صادق بسیار مهم و آموزنده است، ده سال با بنی امیه و مدت طولانی دیگری با بنی عباس مبارزه کرد، در هنگامی که پیروزی او بر بنی امیه حتمی بود، بنی عباس به عنوان یک جریان مزاحم و فرصت طلب آمدند میدان را گرفتند و بعد از آن امام صادق هم با بنی امیه و هم با بنی عباس مبارزه کرد.

متن پاسخ سوال یازدهم ص ۳۳۸ پیوستگی فکری و عملی؛ شرط شیعه بودن است

شیعه بودن یک شرط اساسی و حتمی داشت و آن عبارت بود از "پیوستگی فکری و عملی با امام و شرکت در فعالیتی که به ابتکار و رهبری امام در جهت بازیافتن حق غصب شده و تشکیل نظام علوی و اسلامی در سطوح مختلف فکری، سیاسی و احیاناً نظامی انجام می گرفت." این پیوستگی، همان است که در فرهنگ شیعه "ولایت" نامیده می شود. در واقع، شیعه نامی بود برای حزب امامت؛ حزبی که به رهبری امام به فعالیتهای معینی سرگرم بود و همچون همه حزبها و سازمانهای معترض در دوران اختناق، با استتار و تقیه می زیست. این، چکیده و عصاره نگاه دقیق به زندگی ائمه و به ویژه امام صادق است.

متن پاسخ سوال دوازدهم ص ۳۵۶ نمونه ای از اقدامات جهادی موسی بن جعفر(ع)

یکی از حرفهایی که (هارون) آنجا با موسی بن جعفر می زد این است که می گوید شما بنی هاشم از "فدک" محروم شدید آل علی، فدک را از شما گرفتند، حالا من می خواهم فدک را به شما برگردانم، بگو فدک کجاست، حدود فدک چیست تا من فدک را به شما برگردانم. خوب معلوم است که این یک فریبی است که می خواهد فدک را برگرداند، به عنوان کسی که حق از دست رفته آل محمد را می خواهد به آنها برگرداند و چهره ای برای خودش درست کند. حضرت می گوید بسیار خوب حالا که می خواهی فدک را به من بدهی، من حدود فدک را برای تو معین می کنم. بنا میکنند حدود فدک را معین کردن. آن حدودی که امام موسی بن جعفر برای فدک معین می کنند تمام کشور اسلامی آن روز را در برمی گرفت؛ فدک یعنی این. یعنی اینکه تو خیال کنی

که ما دعوایمان در آن روز بر سر یک باغستان بود، چند تا درخت خرما بود، این ساده لوحانه است. مسئله ما آن روز هم مسئله چند تا نخلستان و باغستان فدک نبود؛ مسئله خلافت پیغمبر بود، مسئله حکومت اسلامی بود. منتها آن روز آن چیزی که فکر می شد ما را از این حق به کلی محروم خواهد کرد، گرفتن فدک بود. لذا ما در مقابل این مسئله پافشاری می کردیم. امروز آن چیزی که در مقابل ما تو غصب کردی، باغستان فدک نیست، که ارزشی ندارد. آنچه که تو غصب کردی، جامعه اسلامی است، کشور اسلامی است. حدود چهارگانه ای را ذکر می کند موسی بن جعفر علیها الصلاة والسلام می گوید این فدک است، یا الله حالا اگر می خواهی بدهی این را بده. یعنی صریحاً مسئله داعیه حاکمیت و خلافت را آنجا امام موسی بن جعفر مطرح می کند.

متن پاسخ سوال سیزدهم ص ۳۷۵ بهره برداری امام هشتم از ماجرای ولیعهدی

بهره برداری اصلی امام از این ماجرا بسی از اینها مهمتر است. امام با قبول ولیعهدی، دست به حرکتی می زند که در تاریخ زندگی ائمه پس از پایان خلافت اهل بیت در سال چهارم هجری تا آن روز و تا آخر دوران خلافت بی نظیر بوده است و آن برملا کردن داعیه امامت شیعی در سطح عظیم اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمان ها است. تریبون عظیم خلافت در اختیار امام قرار گرفت و امام در آن، سخنانی را که در طول یکصدوپنجاه سال جز در خفا و با تقیه و به خصیصین و یاران نزدیک گفته نشده بود به صدای بلند فریاد کرد و با استفاده از امکانات معمولی آن زمان که جز در اختیار خلفا و نزد یکان درجه یک آنها قرار نمی گرفت، آن را به گوش همه رساند.

متن پاسخ سوال چهاردهم ص ۴۰۲ معنای انتظار

باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آنچه شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیها الصلاة والسلام هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار، دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار، معنایش این است. انتظار، حرکت است؛ انتظار، سکون نیست. انتظار، رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار، حرکت است. انتظار، آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است.

گروه فرهنگی تبلیغی به رنگ خدا گرگان www.sebqatallah.blog.ir @sebqatallah (سروش)